

زندانی خیابانِ دوّم

[نمایشنامه]

نیل سایمون

شهرام زرگر



انتشارات نیلا

پرده‌ی یکم

صحنه‌ی یکم

آپارتمانی در طبقه‌ی چهاردهم یکی از آن ساختمان‌های نوساز بی‌روحی که مثل قارچ در همه‌جای کرانه‌ی گران‌قیمت شرقی نیویورک از زمین سر برآورده‌اند. این یکی در خیابانِ دوّم است و حوالی تقاطع‌هایش با خیابان‌های هشتم تا نوّم. هیأت‌مدیره این آپارتمان را پنج‌ونیم‌خوابه به حساب می‌آورد. آن‌چه به چشم ما می‌آید تلفیقیست از اتاق‌نشیمن - ناهارخوری، یک آشپزخانه‌ی کوچک و خفه و بی‌پنجره بیرون از ناهارخوری، یک پنجره‌ی قدّی مُشرف به یک بالکن یا تراس جمع‌وجور آن‌سوی اتاق‌نشیمن، و یک راهرو‌ی باریک که به دو اتاق‌خواب و حمام و دستشویی راه دارد. این‌جا، طیّ شش سال گذشته محلّ سکونتِ میل^۱ و ادنا ادیسون^۲ بوده است. آن‌ها تصور می‌کرده‌اند تمام چیزهای مدرن و لوکس و راحت کرانه‌ی شیک و تروتمیز شرقی را به دست آورده‌اند، اما چیزی که عملاً نصیب‌شان شده دیوارهایی نازک و پُرپُری‌ست با چشم‌اندازِ تراس به پنج عمارتِ بلندتر.

پرده که بالا می‌رود صحنه تاریک است. ساعت دو و نیم

1- Mel

2- Edna Edison

بامداد است و یک روز گرم تابستانی دارد شروع می‌شود. سکوت... میل ادیسون، با پیژامه و ژب‌دوشامبر و دمپایی روی کاناپه‌ای کوچک نشسته و سیگار می‌کشد. بی‌قرار صورتش را می‌مالد، بعد سرفه می‌کند...

میل اوهه، خدا به داد برسه.

چراغی در اتاق خواب روشن می‌شود. ادنا، همسر میل، با لباس خواب نمایان می‌شود.

ادنا طوری شده؟

میل نه، طوری نشده.

ادنا هان؟

میل طوری نیس. برو بخواب.

ادنا مطمئنی؟

میل مطمئنم. برو بگپر بخواب. [ادنا برمی‌گردد و به طرف اتاق خواب راه می‌افتد] آه، خدا، خدا، خدا.

ادنا برمی‌گردد، ژب‌دوشامبرش را به تن می‌کند. کلید چراغ را می‌زند. اتاق روشن می‌شود.

ادنا چیه؟ خوابت نمی‌بره؟

میل اگه خوابم می‌برد واسه چی ساعت دو و نیم بعد از نصفه شب می‌نشستم این‌جا خدا خدا کنم؟

ادنا موضوع چیه؟

میل می‌دونی دمای خونه یازده درجه زیر صفره؟ بیست و سوم جولای، چله‌ی تابستون، این‌جا یازده درجه زیر صفره.

ادنا بهت که گفتم کولر رو خاموش کن.

میل اون وقت چه جور می‌نشستم؟ [به پنجره اشاره می‌کند] بیرون هوا سی و دو درجه‌س... بیرون سی و دو درجه بالای صفر، تو

یازده درجه زیر صفر. هرکدومش یه جور اذیتم می‌کنه.

ادنا می‌تونیم بذاریم کولر روشن بمونه و پنجره رو وا کنیم. [به سمت آشپزخانه می‌رود.]

میل فایده‌ای نداره. هُرم گرما یه پنجره‌ی باز که بینه می‌آد تو.

ادنا می‌تونیم یه ساعتی کولر رو خاموش کنیم. بعدش هر وقت گرم‌مون شد دوباره روشنش کنیم. [درحالی‌که از یک شیشه مربای سیب می‌خورد از آشپزخانه بیرون می‌آید.]

میل هر یه ساعت؟ شبی هفت بار؟ فکر خوبییه. بین روشن خاموش کردن‌های کولر یه هشت دقیقه‌ای می‌تونم بخوابم.

ادنا بسپر به من. من از خواب پا می‌شم.

میل یه میلیون بار ازت خواهش کردم به اون دفتر تاسیسات زنگ بزنی. اون کولر دو ساله درست کار نمی‌کنه.

ادنا زنگ زدم. یه نفرم اومد، متها نتونست ایرادی پیدا کنه.

میل یعنی چی نتونست ایرادی پیدا کنه؟ من گذاشتمش روی گُند، اون وقت سرماش یازده درجه زیر صفره وامونده.

ادنا [می‌نشیند، آه می‌کشد] میل، دیگه یازده درجه نیس. سرده ولی یازده درجه زیر صفر نیس.

میل باشه، هشت‌ه درجه زیر صفر. دو سه درجه زیر صفر. یکی دو درجه بالای صفر. دیگه بیست بیست و یک درجه، دمای متعادل واسه یه آدم عادی که نیس.

ادنا [می‌نشیند روی کاناپه] فردا باز بهشون زنگ می‌زنم.

میل واسه چی به خودشون زحمت می‌دن روش چاپ کنن: تُند، متوسط، گُند؟ این‌که همه‌ش رو تُنده. گُندشم تُنده. متوسطشم تُنده. یه شب می‌ذارمش رو تُند، اون وقت مجبور می‌شن صبح واسه آب کردن قندیل‌هامون شعله‌افکن بیارن.

ادنا می‌گی چیکار کنم میل؟ می‌خوای خاموشش کنم؟ می‌خوای بذارم روشن بمونه؟ فقط بگو دوست داری چیکار کنم؟